افغان تحرک
فرستنده: داؤد نعیم ۲۰۱۸/۰۸/۰۹

آیا فرشته حضرتی، لطیف پدرام، ولی مسعود و همقطاران آنها دزدان حرفوی اند؟

سؤال در اینست که آیا خانم فرشته حضرتی، لطیف پدرام، ولی مسعود، یونس قانونی، عطامحمد نور، محقق و همقطاران آنها دزدان حرفوی اند که در یک ونیم دهۀ اخیر به نام مردم، تحت پوشش حقوق یک اقلیت قومی، تحت پوشش حقوق زن مظلوم و مرد مظلوم فقط و فقط جیب های شان را پُر نموده اند، ثروت اندوزی های غیر قانونی نموده اند، و همچنان درضمن در بین اقوام شریف افغانستان به امر رژیم ایران تفرقه و نفاق را دامن زده اند؟
میشود از این عالی جنابان نخست بپرسیم که چه تعداد مردم را در کجای افغانستان و چگونه ملاقات کرده اند که در یکونیم دهۀ اخیر آنها وقتاً فوقتاً در میدیا سخاوتمندانه از جانب مردم سخن گفته اند؟ نمیدانم بعضی میدیای ما به کدام حق حرفهای پوچ و بیمعنی همچو افراد ثروت اندوز اندوز غیر قانونی را بنام نظریات مردم تا اکنون به نشر رسانیده اند و هنوز نیز به نشر میرسانند.
البته که این تنها خانم فرشته حضرتی نیست که تحت نام و پوشش حقوق زن در این یکونیم دهۀ اخیر چنان ثروت اندوزی نموده است که اسمش سر خط اخبار، بلخصوص سر خط برخی رسانه های بشر دوست گردیده است، این تنها عطامحمد نور، یونس قانونی و یا محقق و لطیف پدرام و ولی مسعود نیستید که مرتکب ثروت اندوزی های غیر قانونی در یک ونیم دهۀ اخیر گردیده اند، بلکه آنها همقطاران زیادی داشته اند، که در شانزده سال اخیر خود شان را به حیث تیکه داران قومی معرفی داشته، ثروت اندوزی های غیر قانونی نموده، جیب ها و بانک هایشان را از پول های مردم فقیر مملو ساخته، در عین حال با لفاظی ها، مکر و حیله خود شانرا نمایندهء مردم خوانده و از نام مردم سؤاستفاده های نموده اند و می نمایند. اما فرقی که بطور مثال خانم فرشته حضرتی، لطیف پدرام، ولی مسعود، یونس قانونی، عطامحمد نور، محقق و همقطاران آنها با دیگر همقطاران ثروت اندوز غیر قانونی شان دارند اینست که افراد و اشخاص ذکر شده در کنار ثروت اندوزی های غیرقانونی شان با حیله و مکر تمام، به اشکال ماهرانه و محیلانه، به نفاق و تفرقه اندازی های در بین اقوام شریف افغانستان نیز عمیقاً دست زده اند!
آنان گاهی به این موضوع متوجه نشده اند که ثروت اندوزی های غیر قانونی و همچنان در بسا موضوعات قضاوتهای صورت گرفته از جانب آنها که بر بنیاد جعلیات و دور از حقایق انجام یافته است، ارزش معنوی آنها را پایئن میاورد.
آنان اصلاً نیآموخته اند که اگر کسی طرز فکر و اندیشهء شانرا خوش نداشت، نباید که هزار تهمت به پایش ببندند.
وسخن آخر اینکه من درین نوشتۀ مختصر به هیچ روی قصد ترتیب دفاعیه از مردم را ندارم ، چه اولا" نوشته های مردم ما خود بهترین وسیله و وثیقهء دفاع خود آنها میباشد ، با شناختی که از مردم خود داریم ، مردم ما شهامت بالای در دفاع ازخود شان و در دفاع از منافع ملی خودشان دارد و درصورتیکه نیاز به نوشتن شان باشد، این عمل را به شایستگی تمام انجام میدهند. ببینیم که برخی از هموطنان عزیز ما در این روز ها، نظر به اتفاقات اخیری که در میدیا بطور مثال در رابطه با خانم فرشته حضرتی به وقوع پیوسته است، چه می نویسند:
" خانم فرشته حضرتی تحت پوشش حقوق زن و یا به عنوان مدافع حقوق زنان، دفتری و رادیویی برای خود درسویدن به کمک سویدنی ها باز نمود و با مصاحبه های تبلیغاتی زیادی با مسلمان و کافر خود را مدافع جهاد فی سبیل الله خواند و به یکبارگی نویسنده شد و با دفاع از مقاومت در این چند سال اخیر از طریق رادیوی زنان و سایت خاوران برای خود جای پایی جستجو نمود. آیا این نوشته ها واقعاً از قلم خود خانم فرشته حضرتی تراؤش نموده است؟ شگفت در این است، خانم فرشته حضرتیی که در رادیویی زنان نمی تواند به راحتی دوسه جملهء فارسی را ردیف کند، یا سوالی را به صورت اصولی و درست مطرح سازد، در این اواخر چگونه به نویسنده ای توانا و با ادبیات عالی و قابل وصفی ارتقاکرده است؟"
" از نوشته های کاملا ضد و نقیض خانم فرشته حضرتی هویداست که نیم کاسه ای زیر کاسه است. بهتر است خود را معرفی نماید که فهمیده شود کی اندرباب کی صحبت می نماید؟ در عقب این نوشته های وی که ها تشریف دارند؟ "

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

"آشفته ذهنی و متناقض نویسی خانم فرشته حضرتی در اینست که او در عین زمان هم از جهاد و "مجاهدینی" چون قانونی، احمدضیا مسعود، فهیم و داکتر عبدالله دفاع می کند، هم از دستگیر پنجشیری! آیا در یک وقت می شود هم در کنار دستگیر پنجشیری بود و هم در کنار و "مجاهدینی" چون قانونی، احمدضیا مسعود، فهیم و داکتر عبدالله؟ این بود داستانی از بی تقوایی و نمونه ای از تناقض در گفتار و رفتار خانم فرشته حضرتی. "
یک هموطن محترم دیگر ما در ارتباط خانم فرشته حضرتی چنین می نویسد:
" بحث بر فرشته حضرتی است، این بنجله ی بازار سیاه شورای نظار که تربیون رادیو پیام زن را با خاکستری ها و یورو های شورای نظار قاپیده است، نمونه تپیک از جنایت زنانه است. فرشته، بعنوان قلمچه شورای نظار در حالیکه خود در تعصب، جنایت و زننده ترین تفکر ارتجاعی تا فرق غرق است، اکت و ادای دموکراسی کرده و با دیده درایی به ارزش های انسانی و حقوق همجنسانش دهن کجی می نماید. "
یک هموطن محترم دیگر ما در ارتباط خانم فرشته حضرتی چنین می نویسد:
"همسر لطیف پدارم دستگیر گردید.
Latif Pardem's wife was arrested
فرشته حضرتي همسر لطيف پدرام به جرم و اتهام قاچاق انسان و اختلاس پول از كيسه بنياد سويدن براي افغانستان از طرف دولت سويدن دستگير شد اين خبر در جريده ها و شبكه هاي خبري سويدن داغ ترين خبر روز ميباشد، وی تحت نام بنیاد سویدن برای افغانستان پول های هنگفت را از دولت سویدن میگرفت که بعد حیف و میل میشد. "
یک هموطن محترم دیگر ما در ارتباط خانم فرشته حضرتی، تحت عنوان " فرشته حضرتی از روشنفکری تا عاشق بازی" چنین می نویسد:
"فرشته حضرتی از روشنفکری تا عاشق بازی
در سالهای اخیر اکثر کسانی که با انترنت سرو کار دارند و مسایل و تحولات افغانستان را دنبال می کنند، با نوشته های خانم فرشته حضرتی آشنایی دارند. خانم فرشته حضرتی که چند سال پیش یک رادیوی محلی را اداره می کرد ناگهان به عنوان نوسینده و تحلیل گر مسایل سیاسی سر بلند کرد و یک شبه راه صد ساله را طی کرد. من شخصا خودم از خوانندگان دایمی نوشته های خانم حضرتی بودم و هرچند که نظر به صحبت های گفتاری او مشخص بود که این نوشته ها و این جمله بندی های تازه از خود او نیست اما به دلیل اینکه از مسایل و مشکلات مردم افغانستان حرف می زد، نوشته هایش را می خواندم. خانم حضرتی در هرهفته یک مقاله می نوشت و نظر میداد و تحلیل سیاسی می کرد. همگی در چورت رفته بودند که چه معجزه عجیب و غریب رخ داده که خانم حضرتی از یک شخص ایلاگرد بی سواد به یک نوسینده تبدیل شده ولی همین که حرف های خوب می نوشت خیلی ها در مطبوعات نوشته های او را می خواند. او همیشه بر ضد قبیله و قبیله گرایی می نوشت که از همین خاطر به دل خیلی ها جای پا باز کرده بود.
این نوشته ها خانم حضرتی را مشهور کرد و او به زودی به عنوان یک نوسینده و صاحب نظر در پیش خیلی ها مطرح شد. اما وقتی که چندین مقاله در دفاع از جنگ سالاران مثل مارشال فهیم و یونس قانونی و داکتر عبدالله نوشت مردم فهمیده شد که این خانم روشن فکر به چیزی به نام ارزش معتقد نمی باشد. شاید خانم حضرتی فکر می کرد که این نوشته ها می تواند او را به این آدمها نزدیک بسازد و این نزدیکی سبب گردد که او از این طریق به نان و نوا برسد. اما او نمی دانست که این آدمها چنان مفلوک و حقیر هستند که در نامردی جوره ندارند. می گوید که داکتر عبدالله مدتی عاشق سینه چاک خانم حضرتی بود اما اینکه این مناسبات چطور و چرا خراب شد خدا می داند. یک مدتی هم آوازه شد که خانم حضرتی سفیر افغانستان در ناروی مقرر می شود. بعدش شنیده شده که چند نفر در وزارت خارجه و در دفتر مارشال فهیم او را فریب داده بوده است. اما نوشته های خانم حضرتی تا مدتی برای خیلی ها جالب بود هرچند که خیلی ها می دانستند که خودش این ظرفیت را نداره و تفاوت میان شخصیت او و این نوشته ها از زمین تا آسمان است. ولی چیزی که مرا نیز به شک انداخت تفاوت میان اخلاق خانم حضرتی با محتوای نوشته هایش بود. او در نوشته های خود همیشه از مجاهدین و جهاد و معتقدات دینی نوشته می کرد و از طرفداران دو آتشه جهادو مجاهدین بود. اما در تابستان سال 2011 سفری به دوبی داشتم و از تصادف روزگار، این سفر همزمان با سفر خانم فرشته شده بود که هردوی ما در یک هوتل اقامت داشتیم. عبدالطیف پدارم رهبر کنگره ملی نیز همراه خانم فرشته حضرتی بود که هردو در یک اطاق زندگی می کردند و چیزی که برای من خیلی عجیب بود، این بود که این هردو در یک اتاق زندگی می کردند و از بسکه می نوشیدند چنان نشهء و گنگس راه می رفتند که آدم را به یاد شرابی های سر سرک می انداختند. من البته عکس هم گرفتم از این دو عاشق و معشوق که اخلاقا لازم نمی دانم به دست دیگران برسد.
خانم حضرتی لباس کاملن برهنه می پوشید و همیشه دست پدرام در دستش بود. شاید از این خاطر که پدارم از شدت نشه بودن بر زمین نیافتد. حتی من یک شب جسارت کردم و اینها را دنبال کردم و آخرش سر از یک بار در آوردیم که مشروب صرف می کرد. آن شب آقای پدارم چنان نشه شده بود که به رسوای هایش دل آدم می سوخت. البته این های را می که می نویسم، چیزی بدی نیست، یعنی که شراب خوردن و دوست داشتن یک مرد و در یک اتاق زندگی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کردن بدون جواز شرعی فقط از نظر دین مبارک اسلام حرام است اما از نظر غربی ها کار بد نیست، ولی از خاطر این میگویم که خانم فرشته حضرتی حلقوم خود را شهید مسعود گفته و مجاهدین گفته و دین گفته پاره کرد. بدون شک اگر آمر صاحب شهید زنده می بود اولین کسی را که به اعدام محکوم می کرد خانم حضرتی بود. من از آن شب به بعد دفاع فرشته جان را از جهاد و مبارزه آمر صاحب شهید، توهین به خون پاک آمرصاحب می دانم.
آمر صاحب شهید چقدر مظلوم شده است که یک آدم بی بند و بار مثل خانم فرشته از او دفاع می کند. پس از آن دیدار، باور کردم که خانم حضرتی یک آدم بی قید وبند است که به هیچ چیزی عقیده ندارد و برای اینکه برای خودش یک نوع شخصیت درست کند دست به هیاهو زده است و نوشته هایش را هم شاید آقای پدارم درست کند. اما چیزی که مرا وادار کرد که این نوشته را چاپ کنم یک اتفاق دیگر بود که در همین اواخر در کابل پیش آمد. خانم حضرتی در نوشته های خود، خود را طرافدار میلت های محروم نشان مید هد. اما کسی از یک محفل صدایش را ریکورد کرده بود که او به همه اینها دشنام می دهد و از اینکه لطیف پدرام به او عاشق شده است صحبت می کند. من پس از شنیدن این ریکورد، به این باور رسیدم که خانم حضرتی نه تنها که روشنفکر نمی باشد بلکه یک دلال بی معرفت می باشد که به دوستان خود نیز خیانت می کند.
مدتی زیادی شده است که کدام مقاله از خانم فرشته حضرتی در مطبوعات نوشته نشده است. شاید دیگه آقای پدارم برای او نوشته نکند. از قرار صحبت های که در باره پدرام شنیده می شود، آقای پدرام از خانم حضرتی مینحیث یک وسیله سوء استفاده عاطفی و سوه استفاده مالی نیز کرده است. بنا بر این دیگه برای آقای پدرام انگیزه نوشتن باقی نمانده است و به هدف خود رسیده است. حالا فرشته حضرتی مانده است که کم کم شخصیت اصلی اش به مردم معرفی می شود و دیگر هم کسی جز آقای پدارم راضی نمی شود که برای او نوشته کند. دیگر خانم حضرتی به یک آدم بی اعتبار وبی شخصیت تبدیل شده است که ماهیت اصلی خود را نشان می دهد. با این اوصاف وقتی که خانم حضرتی ادعای مسلمانی و ادعای مجاهد بودن و ادعای روشنفکر بودن کند دیگر فاتحه دین و این چیز ها را .. "
پس ما نباید بی اطلاع از آن باشیم که در عین حالت و وضعیتی که حقوق زنان مظلوم و بی چاره در مملکت ما زیر پا می شود، هستند هم کسانی که با سؤ استفاده از نام حقوق زن و تحت پوشش حقوق زن، نه تنها در خدمت یک گروهٔ خاص از مردان جنایت پیشه قرار می گیرند، صرف به نام سیاست زنان، تحت پوشش و فقط تحت نام خدمت به زنان به چشم جهانیان خاکپاشی می کنند!.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ